



گفت و گو با مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق اهواز،

قوانین و مقررات در حوزه برق ضعیف است

ارزیابی شما در حال حاضر از روند فعالیت شرکت‌های توزیع برای همسویی با اهداف پیش روی صنعت برق مثل هوشمندسازی شبکه چیست؟ همانطور که می‌دانید هوشمندسازی شبکه دارای چندین مرحله است و تعداد بسیار اندکی از شرکت‌های توزیع در سال‌های گذشته با جذب منابع مالی توانسته اند بخشی از شبکه خود به عنوان طرح آزمایشی به سیستم اندازه‌گیری هوشمند مجهز کنند و در این شرکت با تاکید بر نظارت مستمر بر مشتریان دیماندی، بخشی از آنها را به سیستم AMR مجهز کرده است. در حال حاضر سازمان بهره‌وری

مهندس یدالله حضرتی مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق اهواز است. او در گفت و گو با ما درباره تحولات پیش روی صنعت برق، نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های صنعت برق و مشکلات پیش روی شرکت‌های توزیع سخن گفته است. مشروح این گفت و گو از نظرتان می‌گذرد.

انرژی ایران از طرف شرکت توانیر، برنامه مدون و بررسی‌های گسترده‌ای را برای اجرای سیستم اندازه‌گیری هوشمند در ایران به انجام رسانده و در فاز اول اجرا، برنامه‌ریزی لازم برای اجرای سیستم اندازه‌گیری هوشمند برای یک میلیون مشترک در شش شرکت توزیع برق که خوشبختانه یکی از آن شرکت‌ها، شرکت توزیع نیروی برق اهواز است انجام شده است. ولی متأسفانه به‌رغم کامل شدن مراحل مطالعاتی و تعیین مشاور و پیمانکار پروژه، به‌دلیل نوسانات شدید اقتصادی در سال گذشته در تامین هزینه با مشکل مواجه شده‌اند. آن چه مسلم است علاوه بر مشکلات تامین مالی پروژه‌ها، شرایط اقلیمی و فرهنگی نیز به عنوان چالش‌های پیش رو شناخته می‌شود.

به نظر شما میزان خاموشی‌ها به چه عواملی بستگی دارد. در تابستان سال ۹۲ چقدر توانستید مشکلات خاموشی‌ها را کاهش دهید؟ ضمن این که برای به حداقل رساندن خاموشی‌ها در سال آینده و تقویت شبکه چه اقداماتی انجام دادید؟

میزان خاموشی‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارد که بعضی از آنها در حوزه فوق توزیع و بخشی در حوزه توزیع است. طبیعتاً عوامل مربوط به بخش فوق توزیع تا حدود زیادی خارج از اراده و کنترل شرکت‌های توزیع است. اما موارد مربوط به بخش توزیع که نشأت گرفته از عوامل جوی، رفتار مردم و مشترکین، شرایط جغرافیایی، مسائل فنی و رعایت استانداردهاست به میزان قابل توجهی در اختیار شرکت‌های توزیع است که البته بستگی به توان فنی، امکانات، منابع مالی، تجهیزات، برنامه‌ریزی و کارهای دیگر دارد. خوشبختانه مجموعه فعالیت‌های طی سال‌های اخیر و تقویت و توانمندسازی نیروی انسانی، استفاده از تجهیزات نوین از جمله ترموویژن در شناسایی اتصالات سست و در راستای پیشگیری از حوادث

بسیار راهگشا بوده و در کاهش میزان خاموشی‌ها تاثیر به‌سزایی داشته است. هم‌چنین فعال‌سازی سامانه ۱۲۱ و استفاده از سیستم‌های نرم‌افزاری، تقویت دیسپاچینگ توزیع و کنترل و نظارت دقیق‌تر بر نحوه بهره‌برداری از شبکه‌های توزیع باعث شده تا دامنه خاموشی‌های با برنامه و بی‌برنامه روز به روز کاهش پیدا کند. مجهز کردن گروه‌های خط گرم به پالای‌های بوم‌عایق و تامین ابزار و ادوات مورد نیاز فعالیت‌های تعمیرات پیشگیرانه را تقویت کرده و برپایداری‌سازی شبکه افزوده است.

به باور شما آیا امسال به خاطر کمبود منابع مالی شرکت‌های توزیع، خللی در پایداری شبکه و کیفیت برق داشته‌ایم؟

پس از استقلال شرکت‌های توزیع در نیمه دوم سال ۸۶ روند پیشرفت و ترقی در همه حوزه‌های فعالیت شرکت‌های توزیع به صورت چشم‌گیری مشاهده می‌شد به طوری که موفقیت‌های بی‌نظیری در شاخص‌های کاهش تلفات، پیک‌سایبی، اصلاح الگو مصرف، کاهش نرخ انرژی‌های توزیع نشده، رضایتمندی مشترکین، تامین برق به موقع متقاضیان، پاسخگویی به مشترکین و متقاضیان، توانمندسازی منابع انسانی، بهسازی و ساماندهی شبکه‌های فرسوده و قدیمی، رعایت استانداردها و مقررات فنی،

وجود حساب متمرکز در شرکت توانیر باعث شده تا در آمد حاصل از فروش برق به مشترکین به خزانه و سپس از خزانه به شرکت توانیر و پس از آن در حساب‌های فی‌مابین شرکت مدیریت شبکه برق ایران، شرکت‌توانیر و شرکت‌های توزیع برق عمل شود که تاخیر در هر بخش از این چرخه، موجب عدم تحقق برنامه‌های مندرج در بودجه شرکت‌ها خواهد شد.

مسائل زیست محیطی حاصل شد و شرکت‌های توزیع با رضایتمندی مضاعف و رقابت چشمگیری تلاش و فعالیت می‌کردند. مجموعه فعالیت‌ها به‌ویژه در حوزه مدیریت مصرف و اصلاح الگوی مصرف و پیک‌سایبی باعث شد تا اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در بخش برق با موفقیت انجام شود و کوچکترین تنش یا ناراضی در حوزه برق به وجود نیاید، اما با اجرای این طرح عظیم از پایان آذر سال ۸۹ مشکلات شدید نقدینگی در صنعت برق و به‌ویژه در بخش توزیع به وجود آمد که اثرات آن به مرور در اکثر شاخص‌ها قابل ردیابی است.

از آن جایی که پایداری شبکه اولویت اول بخش توزیع است با تلاش و احساس مسئولیت بی‌نظیر دست‌اندرکاران، اثرات کمبود نقدینگی را بیشتر به سوی دیگر شاخص‌ها هدایت کردند در حالی که ادامه این روند به طور قطع اثرات قابل ملاحظه‌ای بر خاموشی‌ها خواهد گذاشت و مهم‌ترین و حساس‌ترین شاخص بخش توزیع نیز از کمبود منابع مالی آسیب خواهد دید. امیدوار هستیم که مسوولین با تجدید نظر در وضعیت موجود و تقویت بنیه مالی شرکت‌های توزیع مانع از این شوند که موفقیت‌های ارزشمند سال‌های قبل خدای ناخواسته آسیب ببینند.

به نظر شما باید چه الزامات و شرایطی را در نظر گرفت تا صنعت برق با چنین کمبود نقدینگی که شما هم ذکر کردید روبه‌رو نشود؟

با همت و تلاش دست‌اندرکاران صنعت برق و به‌ویژه زحمت‌کشان بخش توزیع با بستر سازی بسیار مناسب و شایسته از جمله مدیریت مصرف و اصلاح الگوی مصرف، توزیع لامپ کم مصرف، اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به مردم در راستای استفاده بهینه از منابع انرژی برق، کار هدفمندسازی یارانه‌ها با موفقیت کم‌نظیری اجرایی شد لیکن در تخصیص منابع مالی و نقدینگی به این بخش محدودیت‌های زیادی تحمیل



بودجه شرکت‌های توزیع (به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم مدیریت) به شرکت توانیر

-عدم محاسبه صحیح مابه التفاوت نرخ آزاد و تکلیفی برق و نیز عدم پرداخت به موقع آن موجب زیانده شدن شرکت‌های توزیع شده و بحث واگذاری این شرکت‌ها را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند.

-وجود حساب متمرکز در شرکت توانیر باعث شده تا درآمد حاصل از فروش برق به مشترکین به خزانه و سپس از خزانه به شرکت توانیر و پس از آن در حساب‌های فی ما بین شرکت مدیریت شبکه برق ایران، شرکت توانیر و شرکت‌های توزیع برق عمل شود که تاخیر در هر بخش از این چرخه، موجب عدم تحقق برنامه‌های مندرج در بودجه شرکت‌ها خواهد شد. -درآمدهای بخش برق کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد و متاسفانه بخش خصوصی در اولویت آخر دریافت مطالبات خود شده است.

شرکت‌ها باید برای فعال شدن در بورس انرژی چه اقداماتی داشته باشند؟

عوامل موثر در فعال تر کردن نقش شرکت‌های توزیع در بورس انرژی را می‌توان این طور برشمرد:
-ارائه تضمین‌های لازم به شرکت‌های توزیع در باره پرداخت مابه التفاوت نرخ آزاد تکلیفی برق
-پرداخت یارانه به بخش تولید جهت کاهش قیمت تمام شده برق در نقطه‌هاب و نزدیک شدن قیمت فروشندگان و خریداران (نیروگاه‌ها و شرکت‌های توزیع) در صورتی که امکان ورود (تولید) پراکنده به بورس انرژی) این دسته از سرمایه‌گذاران به بورس انرژی فراهم آید. پس از اخذ مجوزهای لازم امکان ترانزیت برق و شرکت در بازار رقابتی فراهم آمده و در واقع تولیدکننده با مصرف‌کننده وارد معامله می‌شوند. بنابراین این دسته از تولیدکنندگان به دلیل پراکندگی محل نیروگاه و مزیت این امر نسبت

احتمالاً منفعتی عاید هیچ کدام از ذینفعان و شرکت‌های توزیع نخواهد شد.

به باور شما شرکت‌های توزیع برق توانایی حضور در بورس انرژی را دارند؟

از وظایف شرکت توزیع، تامین برق به صورت «مطمئن و پایدار» و «تامین و عرضه برق» با رویکرد اقتصادی در چارچوب قوانین، ضوابط و مقررات مربوطه است، بنابراین در این راستا پرسنل شرکت توزیع برق جهت حضور در بورس انرژی آموزش‌های لازم از جمله دوره‌های آموزشی بورس انرژی و اصول بازار سرمایه را گذرانده و به مدت یک سال در بازار دو جانبه انرژی به صورت آزمایشی حضور فعال داشته است. بنابراین در حال حاضر چنین آمادگی ایجاد شده است. از موانع پیش روی شرکت‌های توزیع در بورس انرژی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
-تعرفه‌های تکلیفی غیر واقعی بوده و متاثر از مسائل سیاسی است.
-عدم تناسب تعرفه‌ها با هزینه‌های واقعی، باعث عدم توانمندسازی در اقتصاد این صنعت شده است. لذا سرمایه‌گذار خصوصی از ورود به آن اجتناب می‌کند.

-عدم پرداخت مابه‌التفاوت نرخ آزاد و تکلیفی برق و وابستگی شدید

شد و از آن همه حلاوت و شیرینی چیزی به غیر از تلخ‌کامی برای توزیع به ارمان نیاورد. اگر موفقیت‌های بی‌نظیر بخش توزیع در سال‌های گذشته از هدفمندی یارانه‌ها و بعد از استقلال نبود، قطعاً کمبود منابع مالی در سال‌های اخیر مشکلات و نارسایی‌های زیاد را در پایداری شبکه و میزان خاموشی‌ها و نارضایتی مشترکین به وجود می‌آورد. تجارب سال‌های بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها هشدار بسیار جدی است که باید بخش قابل قبولی از منابع حاصله به شرکت‌های توزیع اختصاص یافته تا بتوانند نیازهای

اساسی شبکه را تامین کرده و بهسازی و سماندهی شبکه‌های فرسوده را سریعاً به انجام رسانند و مطالبات تولیدکنندگان و پیمانکاران جزء توزیع را که از ذینفعان با ارزش هستند پرداخت

کنند و این اعتماد از دست رفته را بازسازی و ترمیم کنند. چنانچه فاز دوم این طرح مشابه فاز اول اجرا شود

باید با اعتماد به کارشناسان و محققان، راه‌راه برای هر چه عملی‌تر شدن فعالیت‌های صنعت برق مهیا کرد. در این باره اول باید مشکلات صنعت برق در بخش توزیع به طور دقیق شناخته شود؛ چرا که فقط در این صورت است که نتایج تحقیق دقیقاً منطبق بر نیازهای این بخش بوده و به طور مستقیم قابل به کارگیری است

به نیروگاه‌های بزرگ که مسیرهای طولانی ترانزیت را شامل می‌شود.

با حداقل هزینه ترانزیت برق از طریق شبکه توزیع خود را به نزدیک‌ترین مصرف‌کننده به فروش می‌رسانند از این طریق بازار بورس از انحصار خارج شده و شرکت‌های توزیع می‌توانند نقش فعال‌تری در بورس داشته باشند.

آیا ارزیابی عملکرد شرکت‌های توزیع در ارزیابی پایداری شبکه و کیفیت برق می‌توان به مشترکان یا سازمان رگلاتوری مستقل واگذار کرد؟

آن چه که در شاخص پایداری شبکه قابل اندازه‌گیری یا سنجش است میزان خاموشی‌های با برنامه و اتفاقاتی در شبکه‌های فشار متوسط و فشار ضعیف است که توانیر از طریق دیسپاچینگ‌های فوق توزیع اطلاعات کلی بر میزان قطع و وصل فیدهای فشار متوسط خواهد داشت که طبیعتاً این اطلاعات به هیچ وجه نمی‌تواند میزان انرژی‌های توزیع نشده را با تقریب قابل قبولی ارائه دهد. از طرفی پیگیری‌ها و تلاش بی وقفه معاونت توزیع توانیر در راه‌اندازی سامانه ۱۲۱ در شرکت‌های توزیع را قادر ساخته تا بتوانند میزان خاموشی‌ها در بخش فشار ضعیف را نیز کنترل و ثبت نمایند و از آن جایی که نحوه ثبت این اطلاعات نیز تابعی از نحوه عملکرد مجموعه کارکنان شرکت‌های توزیع است لذا به راحتی امکان تغییر این اعداد است و صحت آنها کاملاً زیر سؤال خواهد بود. پس در حال حاضر نمی‌توان بر اساس اطلاعات دریافتی از مراجع فوق نسبت تعیین شاخص و ارزیابی آن اقدام کرد. بنابراین هر گونه تشویق و تنبیه تا حدود زیادی بی نتیجه و بی اثر است. هم‌چنین در خصوص شاخص کیفیت برق که مهم‌ترین آن تامین ولتاژ استاندارد ۲۲۰-۲۳۰ ولت در محل تحویل برق به مشترک است، عملاً ابزاری در اختیار شرکت توانیر نخواهد بود تا امکان ارزیابی آن میسر باشد. بنابراین

بیشتر فعالیت‌های شرکت‌های توزیع است که تقریباً نتایج اعلام شده در اکثر اوقات قانع‌کننده نبوده و چاره کار نیست. بنابراین با شرایط و امکانات موجود و مقررات و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های کنونی که بسیار اندک و جزئی بوده و در خیلی از موارد سلیقه‌ها و توصیه‌های جاری است تعیین جایگاه مناسب برای ارزیابی نیز مشکل خواهد بود.

و به عنوان سوال آخر به نظر شما برای عملیاتی شدن پژوهش‌های علمی صورت گرفته در حوزه برق باید چه کرد؟

این واقعیتی انکارناپذیر است که هوش و استعداد ایرانی در هر زمینه‌ای که وارد شود می‌تواند قله‌های موفقیت را فتح کند و مایه فخر است که صنعت برق به حمدالله از این امر مستثنی نبوده و کسب مقام نخست جهانی در اجلاس سیر ۲۰۱۳ گواهی بر این مدعاست.

حال پس از کسب چنین برگ‌های زرین، باید با اعتماد به کارشناسان و محققان، راه را برای هر چه عملی‌تر شدن فعالیت‌های صنعت برق مهیا کرد. در این باره اول باید مشکلات صنعت برق در بخش توزیع به طور دقیق شناخته شود، چرا که فقط در این صورت است که نتایج تحقیق دقیقاً

اکنون با شرایط و امکانات موجود و مقررات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های فعلی که بسیار اندک و جزئی بوده است؛ تعیین جایگاه مناسب برای ارزیابی پایداری شبکه و کیفیت برق نیز مشکل خواهد بود.

منطبق بر نیازهای این بخش بوده و به طور مستقیم قابل به کارگیری است. یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه کرد، ایجاد پیوند واقعی بین صنعت و دانشگاه است، این امر باعث می‌شود که از همان مراحل اولیه پروژه، دیدگاه اجرایی و عملی در آن آمیخته شود.

مطالب مذکور که پایه و اساس پژوهش‌های کاربردی هستند؛ مربوط

به مراحل تشخیص نیاز و نحوه انجام پروژه هستند. پس از آن باید روحیه بهره‌گیری و استفاده از نتایج پژوهش انجام نشده ایجاد شود که این امر مستلزم اعتماد به دانش بومی است. برای ایجاد چنین روحیه‌ای می‌توان چندین منطقه را به عنوان مناطق پایلوت با شرایط اقلیمی مختلف در نظر گرفت تا محققان بتوانند پروژه‌های خود را منطبق با هر شرایطی مورد بررسی قرار دهند. چنانچه چنین مناطقی برای محققان فراهم شود، حتی می‌تواند پذیرای محققان خارجی و نهایتاً ایجاد تعاملی بین‌المللی شود.

